



واکاوی مفهوم «تعهد» در نگاره‌های داستان‌های هزار و یک شب

نسرین فنا فی الهی^۱، پروانه عادل‌زاده^{۲*}، کامران پشایی فخری^۳

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. n.fana@iaut.ac.ir
^{۲*} نویسنده مسئول) دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. adelzade@iaut.ac.ir
^۳ دکتری تخصصی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. pashaei@iaut.ac.ir

چکیده

هر جامعه‌ای برای دستیابی به نظم و ثبات اجتماعی و سیاسی، نیازمند پای‌بندی افراد به قوانین و هنجارهای مورد تأیید موجود در آن جامعه است؛ از این رو می‌توان از مفهوم تعهد به‌عنوان یکی از محوری‌ترین ارکان سرمایه اجتماعی یاد کرد. سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در چارچوب آن‌ها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی می‌گردد. این مفهوم از دیرباز در جامعه ایران مطرح بوده و انعکاس آن را می‌توان در آثار ادبی برجای‌مانده از ادوار گذشته مشاهده کرد. «هزار و یک شب» از جمله متون پیش از دوره هخامنشیان است که علاوه بر مسائل ادبی و سیاسی به لحاظ مسائل اجتماعی و اخلاقی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در حوزه سرمایه اجتماعی حاوی عناصر و مؤلفه‌های قابل توجهی است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش یکی از شاخصه‌های اصلی سرمایه اجتماعی (تعهد) بررسی شده و عملکرد این شاخص در زمینه‌سازی مشارکت و رفع مشکلات سیاسی و اجتماعی در ژرفای حکایات متن تبیین شده است که بدون تردید آگاهی از این یافته‌ها می‌تواند به عنوان راهکاری در برقراری روابط اجتماعی مناسب و دستیابی به سرمایه اجتماعی مفید باشد. نتایج حاصل در این پژوهش تعهد به تأمین امنیت، تعهد به عدالت و تعهد به مشارکت است. این مقوله را می‌توان در نگاره‌های داستان‌های هزار و یک شب نیز مشاهده کرد.

اهداف پژوهش

۱. بازشناسی مفهوم تعهد در داستان‌های هزار و یک شب.
۲. بررسی مفهوم تعهد در نگاره‌های مربوط به داستان‌های هزار و یک شب.

سوالات پژوهش

۱. مفهوم تعهد در نگاره‌های «داستان‌های هزار و یک شب» چه انعکاسی یافته است؟
۲. مفهوم تعهد چه بازتابی در «داستان‌های هزار و یک شب» دارد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۳

دوره ۱۸

صفحه ۴۴۷ الی ۴۶۰

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۱/۳۱

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

سرمایه اجتماعی، تعهد، نگاره‌های هزار و یک شب، ادبیات بینا رشته‌ای.

ارجاع به این مقاله

فنا فی الهی، نسرین، عادل‌زاده، پروانه، پشایی فخری، کامران. (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم تعهد در نگاره‌های داستان هزار و یکشب. هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۴۴۷-۴۶۰.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.43.1.4



dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.240559.1304

مقدمه

سرمایه اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه مطرح شده است و نقش آن در شکل‌دهی روابط اجتماعی افراد بررسی می‌شود که امروزه نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه‌های فیزیکی و انسانی در جامعه ایفا می‌کند. در نبود سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون آن پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شود. متون ادبی در شکل کلاسیک و معاصر حاوی عناصر و مؤلفه‌های قابل توجهی در حوزه سرمایه اجتماعی‌اند که توجه به نقش و حضور این متون در زندگی روزمره می‌تواند در کم و کیف سرمایه اجتماعی تأثیرگذار باشد. با استفاده از توصیه‌های مطرح‌شده آن‌ها در مقام نظر و عمل در زمینه‌های مسالمت‌آمیز، مشارکت جمعی و بهره‌گیری از تجربیات افراد در ارتباطات متقابل و تأکید بر نیک‌گمانی و حسن ظن، در ارتباط انسان‌ها با یک‌دیگر، می‌توان شاهد تحقق سرمایه اجتماعی گسترده بین انسان‌ها و جوامع انسانی بود. متون ادبی در دسترس جامعه که عمده آن‌ها با الهام از آموزه‌های دینی و ملی به رشته تحریر درآمده‌اند و مفاد و مضامین بخش‌هایی از آن‌ها در حافظه جمعی و تاریخی قابل اعتنایی از اعضای جامعه وجود دارد، از ظرفیت‌های بالقوه خوبی برای حفظ و احیای سرمایه اجتماعی برخوردارند. استفاده بهینه و درست از این منابع می‌تواند به رشد و بالندگی جامعه منجر شود. با توجه به گستردگی این متون، در این مقاله فقط به بررسی شاخص «تعهد» در داستان‌های هزار و یک شب اکتفا شده است. هزار و یک شب از جمله کتب پیش از دوره هخامنشی است که شامل رشته حکایات به هم پیوسته به زبان انسان‌ها و حیوانات است. این شخصیت‌های تمثیلی در یک پیوند اجتماعی ظاهر می‌گردند، سخن می‌گویند، مناظره می‌کنند، هم‌دیگر را یاری می‌رسانند، توطئه‌پردازی می‌کنند، به جنگ و منازعه برمی‌خیزند، شاهی دارند و دادگاهی و همه آنچه در یک جامعه انسانی وجود دارد. اساساً نویسندگان این داستان خواسته است چگونگی مناسبات اجتماعی و شیوه‌های حکومت‌داری انسان‌ها را گاه از زبان انسان‌ها و گاه از زبان پرندگان و جانوران در این حکایات بیان کند. هرچند کاربرد حکایات در کتاب‌های نظم و نثر که این اثر گران‌قدر نمونه‌اعلای آن است، به منظور تحریک حس کنجکاوی و لذت‌بخشی به مخاطبان است، اما می‌توان گفت که در حقیقت، درون‌مایه و زیربنای فکری و اجتماعی آن‌ها ترویج و اشاعه اصول کشورداری، همکاری، عدالت اجتماعی، نرم‌خویی، خویشتن‌داری، رازداری و تعهد است.

با توجه به بررسی‌هایی که از منابع مختلف انجام شد، تحقیقی جامع درباره سرمایه اجتماعی «تعهد»، در نگاره‌های داستان‌های هزار و یک شب انجام نگرفته است؛ بنابراین مطالعه داستان‌های هزار و یک شب و بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی در نگاره‌های این داستان‌ها، از این منظر نتیجه این کار پژوهشی است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

۱. مفهوم تعهد

تعهد در لغت به معنای «به گردن گرفتن کاری، به عهده گرفتن، عهد بستن، غمخواری و تیمارداشتن» است (لغت‌نامه دهخدا، ذیل تعهد). شهید مطهری تعهد را به معنی پای‌بندی به اصول و قراردادهایی می‌داند که انسان معتقد و پایدار نسبت به آن‌ها است. به نظر ایشان فرد متعهد، کسی است که به عهد و پیمان خود وفادار بوده و از اهدافی که به خاطر حفظ آن‌ها پیمان بسته است، صیانت کند (سنجری، ۱۳۷۵: ۲۵). تعهد دلالت بر میزان وفاداری فرد، به اجتناب از مخاطرات اجتماعی و اخلاقی بستگی دارد و از سوی دیگر، موجب الزام و پای‌بندی فرد به اصول اخلاقی، مذهبی و اجتماعی می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۶۷). کلمن در جواب این سؤال که چرا کنشگر عقلانی، تعهدات را به وجود می‌آورد؟ این‌طور جواب می‌دهد: «زمانی که من خدمتی برای شما انجام می‌دهم، زمانی است که شما نیاز دارید و هزینه زیادی برای من ندارد. اگر من عقلانی و علاقه‌مند به منافع شخصی باشم، درک می‌کنم که اهمیت این خدمت برای شما آن‌قدر زیاد است که حاضر خواهید بود زمانی که من نیازمندم با خدمتی آن را جبران کنید؛ بنابراین ایجاد تعهدات با انجام دادن کمک می‌تواند نوعی سیاست بیمه را تشکیل دهد» (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۷۳). براساس آموزه‌های اسلام، افراد باید نسبت به یکدیگر احساس تعهد کنند و به پیمان‌های خویش پای‌بند باشند. «به پیمان‌ها وفا کنید که قطعاً پیمان‌ها، مورد سؤال قرار خواهند گرفت.»^۱ حتی درباره پیمان با مشرکان، در صورت رعایت مفاد پیمان، وفای به پیمان را نشانگر تقوا دانسته است که چنین اموری، زمینه شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در سطح کلان بین امت و ملت می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۵۷۰).

۲. نسخه خطی هزار و یک شب

نسخه خطی هزار و یک شب، از ذخایر ارزشمند کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان تهران به شماره ثبت ۱۲۳۷۲-۱۲۳۶۷ است. در سال ۱۲۵۱ ه.ق. به فرمان بهمن میرزا، فرمانروای آذربایجان (فرزند عباس میرزا و برادر محمد شاه قاجار) توسط عبداللطیف طسوجی تبریزی، معروف به ملاباشی، از کتاب عربی، الف لیل و لیله چاپ ۴ جلدی «بولاق» طبع مصر به فارسی ترجمه شد (شب زنده‌دار، ۱۳۷۲: ۲۴). «ترجمه فارسی نسخه با شیوایی و درایت تمام و توجه به ویژگی‌های ادبی عصر قاجار با عنوان هزار و یک شب برگردانده و اشعار فارسی «شمس‌الشعرا میرزا محمد علی سروش اصفهانی» در برابر پاره‌ای از ابیات عربی متن اصلی پرداخته و گنجانده شده است.» تاریخ پایان کتابت نسخه خطی هزار و یک شب در سال ۱۲۶۹ ه.ق. و به خط خوش نستعلیق «میرزا محمد حسین تهرانی» خوش‌نویسی شده است. متن نوشتاری نسخه در هر صفحه ۳۰ سطر (پشت و رو) و بین سطرها طلائندازی شده و میان جداول کمند و زرین به ابعاد تقریبی ۲۷×۱۷ سانتی‌متر تحریر شده است. ابعاد نسخه در قطع رحلی به اندازه تقریبی ۴۵×۳۰ سانتی‌متر و مجالس نقاشی نسخه همراه با جداول مذهب و مرصع به ابعاد ۳۲×۱۸ سانتی‌متر در صفحه مقابل متن دست‌نویس (پشت و رو مصور) به تصویر درآمده است. در هر صفحه مصور ۳ تا ۶ مجلس و گاه ۷ مجلس نقاشی که به وسیله جداول مذهب مرصع متمایز شده، مشاهده می‌شود» (همان، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

۳. مفهوم تعهد در نگاره‌های نسخه خطی هزار و یک شب

در هزار و یک شب گاه از سان‌های ضعیف برای به دست آوردن آسایش و راحتی با انسان‌های قوی‌تر عهد و پیمان می‌بندند تا از خشم و آسیب آنان در امان بمانند و پس از مدتی هم آن پیمان‌نامه را زیر پا می‌گذارند که در این جستار به سه نوع از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- تعهد به تأمین امنیت؛ ۲- تعهد به عدالت؛ ۳- تعهد به مشارکت.

۳.۱. تعهد به تأمین امنیت

یکی از بارزترین انواع سرمایه اجتماعی در هر جامعه، امنیت و احساس آن در جامعه است. در زیر سایه امنیت است که دیگر ارزش‌های اخلاقی، رفتاری و ... رشد می‌یابد و آرامش زیر چتر امنیت به بالندگی می‌رسد. تمامی مکاتب و احزاب سیاسی در هر دوره‌ای از تاریخ، پیاده‌سازی امنیت را در جامعه خویش، سرلوحه تئوری‌های خود قرار داده‌اند و هریک گاه بنا به دلایلی از عهده این مهم برنیاورده‌اند و گاه به صورت نسبی، آن را در متن اجتماع اجرا کرده‌اند (عمار، ۱۳۸۳: ۵). برای دستیابی به مفهوم امنیت و جلوه‌های آن در جوامع، ابتدا باید به معنا و مفهوم آن اشاره‌ای شود. «امنیت در اصطلاح زبان عربی و چنان‌که معانی آن در قرآن کریم آمده است، متضاد «خوف» به معنای «فزع» است؛ از این‌رو امنیت یعنی آرامش و آسودگی خاطر از اینکه در زمان حاضر و آینده انتظار نمی‌رود اتفاق ناخوشایندی رخ دهد و بدین معنی متضاد آن ترس، بیم، دلهره و عدم اطمینان و آرامش است. همان‌گونه که امنیت برای ضروریات و نیازهای مادی لازم است، برای امور معنوی و روحی نیز ضروری می‌نماید، چنان‌که هر فرد به آن نیاز دارد، جامعه گروهی انسان‌ها نیز به آن نیازمند است (همان: ۹). امنیت از نیازها و ضرورت‌های پایه‌ای فرد و جامعه تلقی می‌شود که فقدان یا اختلال در آن، پیامدها و بازتاب‌های نگران‌کننده و خطرناکی به دنبال دارد.

امنیت اجتماعی برای آحاد جامعه از بسیاری از موضوعات دیگری که ممکن است مهم تلقی شود، ضروری‌تر است. بنابراین، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که امنیت را ارتقا می‌بخشد و جامعه را سالم، آرام و مطلوب می‌سازد، سرمایه اجتماعی است (راموز، ۱۳۸۳: ۸۸). برای بررسی شاخص امنیت در آثار ادبی یک نویسنده، لازم است به مفهوم جامعه‌شناسی این مقوله نظری افکنده و سپس بر پایه این تعریف، به تحلیل آن در داستان‌های هزار و یک شب پرداخت. از نظر جامعه‌شناسی، تعاریف متعددی برای امنیت در نظر گرفته شده است که مهم‌ترین آن در سطح خرد و کلان است. دسته اول تعاریفی هستند که بر تهدید هویت جمعی تأکید دارند. «ویور» امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی‌های بنیادین خود در شرایط تغییر و تهدیدات عینی تعریف کرده است؛ ولی امنیت اجتماعی را با نیاز به حفظ هویت مرتبط می‌داند (گروسی، ۱۳۸۶: ۲۹).

برخی دیگر تعاریف متفاوتی از امنیت اجتماعی ارائه می‌دهند. آنان امنیت اجتماعی را رفع تهدید از عنصر اتصال‌دهنده اعضای جامعه به یکدیگر در نظر می‌گیرند. این نوع تعریف امنیت شامل:

- امنیت حاصل فضای اجتماعی است.

- این فضای اجتماعی سطح کلان یا دولت به معنای عام را دربر نمی‌گیرد.

- امنیت اجتماعی فقط به سطح امنیت فرد محدود نمی‌شود.

- امنیت اجتماعی بر مجموعه‌ای از افراد تأکید می‌ورزد که عنصر یا عناصر ویژه مانند جنسیت، قومیت، مذهب و ... آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد.

- زمانی که ارزش‌های اتصال‌دهنده افراد تهدید شود، امنیت متزلزل می‌شود (همان، ۱۳۸۸: ۶۸).

در داستان‌های هزار و یک شب به موارد متعددی از این مقوله برمی‌خوریم که به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌گردد. «... ای مردمان از کفر و بت‌پرستی دست بردارید و خدا را پرستش کنید. پدرم گفت: از این اطلاعات زیاد گفته می‌شود. مبدا که از دین پدران خود بازگردید. هر کسی که از بت‌پرستی دست بردارد، من او را در میدان شهر به جلااد خواهم سپرد. مردم از ترس دم برنیامورند ...» (طسوجی، ۱۳۹۱: ۵۳). امنیت و احساس امنیت در زمره مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. نویسنده موارد ناامنی را معترضانه فریاد می‌زند و هرگاه امنیت را در گوشه و کنار می‌بیند، به زیباترین وجه به تصویر می‌کشد و خرسند از این احساس، به مردم این مقوله را توصیه می‌کند. تصویر شماره (۱) مربوط به نگاره «غفریتی سر راه حسن قرار گرفته و می‌گوید من مسلمان و دلیل شما هستم». این نگاره بخشی از داستان حن بصری و نورالناساست. این ماجرا به زندانی شدن نورالنسا در زندان خواهرش و آزاد شدنش به وسیله حسن اشاره دارد و در نوع خود نمودار فقدان امنیت در جامعه است.



تصویر ۱: نگاره غفریتی سر راه حسن قرار گرفته و می‌گوید من مسلمان و دلیل شما هستم. هزار و یک شب، ۱۲۶۹، جلد ۵، مأخذ: (کاخ گلستان)

«... طاووس سبب هراسش را جويا شد. بطة گفت: از غایت اندوه بیمارم و بیم من از آدمیزاد است. زینهار زینهار از بنی‌آدم برحذر باش ...» (همان: ۲۵۴). «... اکنون ترا باکی نیست. آدمیزاده ترا دست نتواند یافت که ما در جزیره‌ای میان دریا هستیم و آدمیزاد را محال است که به ما راه یابد ...» (همان: ۲۵۵). «... نعمت به او گفت: ای خاتون، من مملوک هستم مرا بخر و بر تو پناه آورده‌ام مرا پناه ده ...» (همان: ۳۵۷). هراس نویسنده از نبود امنیت جانی، جابه‌جا در داستان‌هایش موج می‌زند. این هراس گاه از دست دشمنان و گاه دوستان است. «... کودک را به پارچه‌ای حریر پیچیده به گوشش تکبیر گفتند. آن‌گاه به مادرش سپردند. او را از بیم زخم‌چشم به سردابه کردند و شمس‌الدین گفت: تا او را خط ندمد، از سردابه بیرون نیاید ...» (همان: ۳۶۵). در این حکایت، اطمینان از امنیت و محافظت کودکان در برابر چشم زخم‌ها و غریبه‌ها مدنظر است.

«... پس از آنکه از عشق کان‌ماکان با قضی‌فکان آگاه شد، به نزد زن خویش نزهت‌الزمان بیامد و گفت که: من از بودن این پسر و دختر در یک‌جا به تشویش اندرم. صواب در این است که کان‌ماکان را از قضی‌فکان منع کنیم. نزهت‌الزمان گفت: ای ملک، راست گفتی...» (همان: ۲۳۳). «... حکیم گفت: ای ملک، رای من این است که او را هفت روز در نزهتگاهی بگذاری. ملک کنیزکی خوبروی را که از خاصان بود، خواست و پسر به آن کنیزک سپرده به او گفت: خواجه خود برداشته به فلان قصر بشو و تا هفت روز نگذرد از قصر بیرون میا...» (همان: ۶۹۵).

یکی از جلوه‌های امنیت در داستان، احساس امن بودن از جانب سلاطین است. شاید خرسندی از بعضی شاهان که نویسنده داشته است، این احساس امنیت را در وی ایجاد کرده است و این امر منجر به نوشتن داستان‌هایی شده است که به طریقی امنیتی را که سلاطین در جامعه ایجاد کرده‌اند جلوه داده است.

«... پاداش من نه این بود. ای ملک اکنون که برای کشتنم تصمیم گرفته‌ای، دستور بده که به خانه خویش روم و وصیت بگذارم...» (همان: ۳۳). نویسنده در داستان گاه از نبود امنیت در جامعه شاکی است و گاه از اینکه بعضی از سلاطین از روی خودخواهی به فکر امنیت مردم نیستند، احساس خوبی ندارد. «... مرد به او گفت: به تو محتاجم و خدا را به سوی تو شفیع آورده‌ام که به من چیزی دهی. یحیی امر کرد در خانه خود مکانی جداگانه از برای او ترتیب دادند...» (همان: ۵۰۴). نوع روابط اجتماعی حاکم بر هر جامعه‌ای تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر میزان امنیت آن جامعه دارد. هر جامعه‌ای با توجه به نوع تعاملات اجتماعی خود، برخورد‌های ویژه‌ای با ورود یا خروج عوامل و تأثیرات محیطی دارد. این مسئله کیفیت امنیت هر جامعه را رقم خواهد زد. به‌طور کلی هرچه روابط اجتماعی موجود در جامعه از انسجام و وفاق بیشتری برخوردار باشد، امید به دستیابی به امنیت و رفع ناامنی اجتماعی بیش‌تر می‌گردد (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۴۴). امنیت یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی است که معرفی‌کننده میزان توانمندی هر جامعه است؛ چراکه هر قدر دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی رشد کند، امنیت در آن جامعه بیش‌تر خواهد شد.

۳.۲. تعهد به عدالت

یکی از مفاهیمی که از دیرباز، با رشد جوامع، همراه انسان و برای انسان در فرهنگ‌ها مطرح شده است، «عدل و عدالت‌گستری» در میان انسان‌هاست. بشر از آن هنگام که پا بر عرصه خاک گذاشت، خواهان کسب بیش‌ترین امتیازات و امکانات برای خویش بود. اما از دیگر سوی روح و روان این انسان برای تقسیم برابر این امکانات نیازمند ابزاری بود که هرگز ستم و نابرابری در آن راه نیابد و این ابزار مفهومی بود به نام «عدالت» که مردمان با تکیه بر آن توانستند حق خویش را از ستمگران بیرون بکشند، به اندازه قامت تاریخ برای به دست آوردن وضعیتی برابر، مبارزه کنند و آنچه را که از این مبارزه به دست آوردند، برای نسل‌های بعدی انتقال دهند.

«داستان آدم و حوا در قرآن، بیانگر خدشه‌ای است که آنان در وجود عدل ایجاد کرده‌اند. این خدشه با کمالات خداوندی جبران شد. ولی قرآن با مطرح کردن این داستان به ما آموخت که باید از بی‌عدالتی دوری جست و با گرایش به سوی حق، عدالت را پیشه خود ساخت... از نظر قرآن، نظام هستی براساس عدالت است و ظلم و بی‌عدالتی در آن جای ندارد؛ از این رو هرگونه رفتار خلاف عدالت، درست به معنی نادیده گرفتن نظام هستی و پایمال کردن آن است» (علی‌خانی، ۱۳۸۲: ۱۲۴). با توجه به جایگاه عدالت در میان جوامع و ارزش آن از دیدگاه قرآن و هم‌چنین با در نظر

گرفتن این نکته که یکی از بارزترین مصادیق سرمایه اجتماعی، عدالت و عدل‌گستری است، به تعریف این مقوله می‌پردازیم.

عدالت یعنی دادگری، میانه‌روی و مساوات. جرجانی گوید: عدالت در لغت استقامت باشد و در شریعت عبارت از استقامت بر طریق حق است به اجتناب از آنچه محظور است در دین (دهخدا، ذیل عدالت). عدل در لغت به معنی: داد، داد دادن، نهادن هر چیزی به جای خودش، حد متوسط میان افراط و تفریط در هر یک از قوا، اندازه و حد اعتدال، مقابل ظلم. (همان، ذیل عدل). افزون بر معنی لغوی عدالت، از سوی برخی محققان از جمله استاد مطهری در کتاب «عدل الهی» برای عدل چهار معنی ارائه شده است:

۱- «موزون بودن؛

۲- تساوی و نفی هرگونه تبعیض؛

۳- رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حقی حق او را؛

۴- رعایت استحقاق در افاضه وجود و امتناع نکردن در افاضه و رحمت به آنچه امکان وجود را دارد» (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۴).

از آن جایی که موضوع پژوهش حاضر در رابطه با مقوله جامعه‌شناسی است و سرمایه اجتماعی یکی از عناوینی است که امروز در میان جامعه‌شناسان رواج پیدا کرده است؛ لذا لازم است به تعریف جامعه‌شناسان از عدالت نیز اشاره‌ای کنیم. آنان برای عدالت تعاریف متعددی ارائه داده‌اند که از آن میان می‌توان به معنای زیر اشاره کرد: «عدل در لغت به معنی با چیزی برابر آمدن، اندازه کردن میان دو چیز، هم‌وزن کردن و ... است. با توجه به این معانی می‌توان گفت که مفهوم عدل و عدالت به‌نحوی معانی برابری و توزیع را نمایان می‌سازد و به دنبال مطرح شدن این مفاهیم این سؤال پیش می‌آید که برابری در چه چیزی یا توزیع چه چیزی مورد توجه است؟ بدین ترتیب پاسخ سؤال فوق نیز به‌عنوان موضوع عدالت به تعریف آن اضافه می‌شود؛ اما این کافی نیست زیرا با میان آمدن رویکردهای جدید، رویه‌های عدالت نیز مطرح شده‌اند. با توجه به توضیحات مختصر فوق در اینجا درک عدالت اینطور تعریف می‌شود: طرز تلقی (ارزیابی و احساس) افراد از توزیع منابع، امتیازات، پاداش‌ها و هم‌چنین رویه‌های توزیع» (یعقوبی، ۱۳۸۸: ۲۰).

بعد از ارائه تعریفی از عدالت و مفهوم آن، با توجه به موضوع پژوهش لازم است به سابقه طرح این مقوله در هزار و یک شب پرداخته شود. هزار و یک شب، از جمله متونی است که در باب عدالت، داد سخن داده است. در لابه‌لای داستان همواره ندای عدالت‌گستری، اعتمادطلبی و دادگری به گوش می‌رسد و فریاد اعتراض‌آمیز به جهت نقض عدالت و عدل‌گستری بلند می‌شود.

«... روزی از روزها ملک عادل انوشیروان بیماری آشکار کرد و چنان بنمود که من بیمارم. آن‌گاه به امنای خود فرمود که مملکت او بگردند و از برای او خشتی کهن از دهکده‌ای ویران به جهت دارو ساختن بیاورند. گماشتگان ملک اقطار ولایت گشتند و به سوی ملک بازآمدند و گفتند که: «در تمامی مملکت مکانی خراب و خشتی کهن نیافتیم. انوشیروان از این سخن فرحناک شد و شکر خدای تعالی به جا آورد و گفت: قصد من این بود که ولایت خود تجربت کنم. اکنون

که در مملکت مکانی ویران نمانده، کار مملکت تمام و احوال مملکتیان در انتظام است. شهرزاد چون قصه به این جا رسانید گفت: ای ملک جوانبخت، بدان که پادشاهان پیشین و ملوک پیش‌بین را هوس به آبادی ولایت‌ها بود، از آن که می‌دانستند مال به آبادی ولایت‌ها به دست آید و ولایت‌ها با عدل و داد آباد شود...» (طسوجی، ۱۳۹۱: ۵۶۹). نویسنده با تکیه بر این اندیشه که پادشاهان و حاکمان الگویی برای جامعه انسانی هستند، صفات نیک آنان را برجسته کرده، سعی در گسترش و بسط آن در میان مردم دارد و از این میان عدل حاکمان مورد توجه وی است. سرمایه اجتماعی یک جامعه، متوجه دولت‌ها و حاکمان می‌شود. نوع کارکرد و رفتار آنان در همه زمینه‌ها باعث بهبود و ارتقای روابط انسانی می‌شود. نویسنده با مطرح کردن عدالت‌گری حاکمان سعی در انتقال این مسئله دارد. تصویر شماره (۲) که یکی از نگاره‌های هزار و یک شب است، بخشی از ارتباط درباریان را با شاه ترسیم کرده است.



تصویر ۲: ضوءالمکان بر تخت نشسته و وزیر استاده، نسخه مصور هزار و یک شب، ۱۲۶۸-۱۲۷۵، (ذکاء، ۱۳۸۲: ۱۳۴).

«... ای ملک بدان که در همه چیز عدل به کار است و از انصاف ناچار و از برای این، مثلی از قطاع الطریق گفته‌اند که ایشان را با اینکه شیوه ستمگری است، اگر در کار خود و در بخش کردن مال‌های دزدیده انصاف فروگذارند، نظام‌شان مختل شود...» (همان: ۱۴۷). در این داستان، حاکمی می‌تواند جهانداری کند که عدل و انصاف سرلوحه برنامه وی باشد و این می‌تواند گریزی به عدالت سیاسی داشته باشد که در نوع خود یکی از ارکان سرمایه اجتماعی هر جامعه به‌شمار می‌رود. منظور از عدالت سیاسی آن است که امور کشور به‌گونه‌ای شایسته اداره شود تا مردم در فضایی عادلانه به زندگی خود ادامه دهند.

«... یک شب هنگام شام که از دکان به خانه می‌آمدم، ناگهان این دو سگ را دیدم که به زنجیر بسته شده‌اند. ناگهان همان دختر را دیدم به من گفت: اینان برادران تو هستند و تا ده سال به سزای مکافات‌شان به صورت سگ خواهند ماند...» (همان: ۳۰). بررسی عدالت در این داستان، این ارزش را دارد تا به مخاطب خود تفهیم کند که عدالت به عنوان یک سرمایه اجتماعی تا چه اندازه از ارزش و اعتبار برخوردار بوده و طی اعصار تا چه اندازه در جامعه‌ها مطرح بوده است. «... ای صیاد آماده مردن باش. صیاد خروشید که ای بی‌مروت من ترا از زندان کوچک نجات دادم. حال به جای پاداش، مرگ به من هدیه می‌کنی؟...» (همان: ۳۱). «... ملک از جای برخاست و تیغ را که در کنار داشت، بر دختر فرود آورد و او را به دو نیمه کرد. صیاد را بخواست و خدمت بسیاری داد و امارت لشکر به پسر او سپرد و حکومت

جزایر السود را به صیاد تفویض کرد ...» (همان: ۴۰). از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نمادهای سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای عدالت و گسترش عدل در میان افراد آن جامعه است.

«... غلام وقتی گریه‌ام را شنید و دانست که پدر من محبت زیادی به او کرده و من خود نیز او را مورد تفقد و احسان قرار داده‌ام، دست و پای مرا باز کرد و گفت: ای پسر سلطان، چون تو نیکویی کردی، حال جواب نیکویی خود را خواهی دید و مرا رها کرد ...» (همان: ۴۴). در این داستان می‌توان عدل و انصاف و مفاهیم آن را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به عینه دید.

«... خلیفه به آنان گفت: شما مرا نشناختید ولی اکنون بدانید که من خلیفه هارون الرشید هستم؛ بنابراین اگر سخنی جز حقیقت بگویید، به دژخیم دستور می‌دهم تا سر از بدن‌تان جدا سازد ...» (همان: ۵۲). «... والی از من پرسید که این گردنبند را از کجا خریدی؟ سپس دستور داد لباس مرا درآوردند و تا می‌خوردم تازیانه زدند. من ناچار شدم اعتراف بکنم. والی دستور داد که دست مرا بریدند ...» (همان: ۸۳). «... و به والی گفت: ای ولی تا یک یک ما را شکنجه نکنی از حقیقت آگاهی خواهی یافت. والی دستور داد او را تازیانه بزنند. چشمانش را گشود و گفت: ما خود را به نابینایی زده بودیم که به خانه مردم برویم ...» (همان: ۹۱). عدالت و عدل‌گستری نشان‌دهنده جایگاه والای این سرمایه اجتماعی در ذهن نگارنده و از سوی دیگر اهمیت آن برای اجتماع زمان نویسنده است. تصویر شماره (۳) نگاره‌ای از نسخه مصور هزار و یک شب است که به تنبیه یکی از مردم عادی جامعه توسط شاهزاده اشاره دارد.



تصویر ۳: کنیزک به حکم دختر مردی را که پنهان شده گردن می‌زند، نسخه هزار و یک شب ۱۲۶۹ ه.ق. مأخذ: (کاخ گلستان)

«... او گفت: ایها الوالی، من امشب به این شهر داخل شدم و در فلان کاروانسرا فرود آمدم و پاسی از شب را در آن جا بخفتم. چون بیدار شدم دیدم که بدره‌ای که دو هزار دینار در آن بود، از خورجین من گم شده است. والی سرهنگان را فرمود که هر کس به کاروانسرا اندر بود، حاضر آوردند. والی خواست که ایشان را عقوبت کند ...» (همان: ۴۶۱). «... خلیفه گفت: به روح عباس بن عبدالمطلب سوگند اگر کشنده دختر پیدا نشود، همه آل برمک را از تیغ بگذرانم و سه روز مهلت داد. تشویش و نگرانی جعفر برمکی را فراگرفت ...» (همان: ۵۹). در این داستان، تعریف عدل، رساندن حق به حقدار و عقوبت مجرم به جرم مرتکب شده است. نویسنده زمانی عدالت را اجرا شده، تعریف می‌کند که مجرمان، به جرم گناه مرتکب شده، عقوبت گردند.

«...دانیال به او گفت: این کار در کدام مکان باغ روی داد؟ گفت: در سمت شرقی باغ و در زیر درخت امرود اتفاق افتاد. پس از آن دیگری را حاضر آورده از او پرسید که: آنچه دیده‌ای بازگو. او نیز ماجرا بازگفت. دانیال پرسید که: در کدام مکان از باغ این حادثه روی داد؟ آن مرد گفت: در سمت غربی زیر درخت سیب بود. با همه این‌ها آن زن ایستاده سر به آسمان داشت و از خدای تعالی خلاصی می‌خواست. آن‌گاه خدای تعالی صاعقه نازل فرمود. در حال آن دو شیخ باغبان بسوخت و پاکدامنی آن زن به مردم آشکار شد و این اول معجزه‌ای بود که از دانیال (ع) سرزد ...» (همان: ۵۰۷).

تبیین عدل الهی و عدالت‌گستری پیامبران، بیانگر اهمیت و عظمت مفهوم عدالت و جایگاه آن در اجتماع است.

«... تو انصاف پیشه کن و ستمگری بگذار تا عاقبت کار تو نیکو شود. گرگ سخن او نپذیرفته و به درستی جواب داده گفت: ترا به کارهای بزرگان کاری نباشد ...» (همان: ۲۶۰). نویسنده در جای جای متن، به رعایت عدل و انصاف دعوت می‌کند و ظالمان را از اینکه آماج تیر مظلومان واقع شوند، می‌ترساند. زیر پا گذاشتن اصول عدالت عواقب تلخی دارد که به طور حتم گریبان‌گیر ظالمان خواهد شد. «...در حال سوار نخستین با تشویش و اضطراب بازگشت و با هیضم کن گفت: همیانی که از من در جای مانده بود، کجاست؟ خارکن گفت: مرا از همیان خبر نیست. سوار تیغ برکشید و خارکن را کشت. در این چه حکمت است که یکی هزار دینار زر می‌برد و یکی دیگر به ستم کشته می‌شود؟! ...» (همان: ۵۸۰). چنان‌که از داستان برمی‌آید، گاه این سرمایه اجتماعی زیر گام‌های زورگویان و حاکمان پایمال شده و سبب ناله و گله نویسنده از اجرا نشدن آن گردیده است و گاه قلم نویسنده به وفور عدالت در جامعه‌اش اذعان کرده و به وجود چنین سرمایه ارزشمندی در جامعه خویش ابراز خرسندی کرده است. «... چون روز دوم شد، کنیزک به نزد ملک درآمد و طرف بساط ملک را بو سیده گفت: ای ملک، تو به عدل و انصاف معروفی، در میان من و پسرت به عدالت داوری کن ...» (همان: ۶۹۷). نویسنده همواره حاکمان را دعوت به عدل و انصاف می‌نماید، چرا که سرتاسر حکایات مشحون از این مقوله است «... آن ملک رنجور گشت و مرد. بزرگان دولت پسر او بلوقیا را به سلطنت برگزیدند. بلوقیا با رعیت عدالت می‌کرد و مردمان در زمان او راحت یافتند ...» (همان: ۵۹۰).

«...جوان به او گفت: ای برادر، بدان که پدر من پادشاهی بود که او را ملک طیقموس می‌گفتند و به بلاد کابل و بنی شهلان حکمرانی می‌کرد و به پادشاهان هفت اقلیم بزرگ بود و از برای او از مشرق و مغرب خراج می‌فرستادند و او در حکمرانی خود عدالت می‌کرد ...» (همان: ۶۰۴). با توجه به حکایات درمی‌یابیم که عدالت و عدل‌گستری در آن دوران تا چه اندازه از ارزش والایی برخوردار بوده و نگارنده در جای‌جای داستان‌ها به این سرمایه ارزشمند اجتماعی اشاره کرده است. تصویر شماره (۴) به مسئله نابهنجاری در عدالت و مداخله احتمالی دختر قاضی پرداخته است.



۴. تصویر مکالمه عجوزه با دختر قاضی، هزار و یک شب، ۱۲۶۹ ه.ق، مأخذ: (موزه کاخ گلستان)

«... ای ملک جوانبخت، بدان که در زمان گذشته ملکی از ملوک عجم بود که محمد بن مبارک نام داشت. در هر سال با کافران هند و سند و بلاد آن سوی نهر جدال می‌کرد و او پادشاهی عادل، دلیر و کریم بود...» (همان: ۹۰۲). «...بدریاسم، تاج کسروی بر سر نهاده بر تخت مملکت نشست. داد مظلوم از ظالم گرفت و جور امیر از فقیر برداشت. مردمان را به خود مایل کرد و پیوسته در میان مردمان به عدالت به سر می‌برد...» (همان: ۸۹۰). یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، عدالت و عدل‌پروری است. با دقت در مفهوم این سرمایه می‌توانیم به این مهم پی ببریم که برپایی عدالت منجر به بهبود روابط میان انسان‌ها خواهد شد. البته عکس این مسئله هم صادق است و بهبود روابط میان انسان‌ها هم باعث برقراری عدالت در جامعه می‌گردد. این دو لازم و ملزوم یک‌دیگرند. نویسنده در اندیشه خود جایگاه والایی برای عدالت قائل است و حاکمان عصر خود را به برپایی آن فرامی‌خواند؛ از این رو که روزی ستمی بر کسی رود، نالان است. به اعتقاد نگارنده داستان‌ها، گاهی عدالت تنها بر روابط انسان‌ها تأثیر نمی‌گذارد بلکه ضامن بقای ملک در گرو رعایت کردن اصول عدل است. تأکید نویسنده بر عدل‌گستری شاهان، از اعتقاد وی بر عدالت سیاسی خبر می‌دهد، همان عدالتی که نقش اصلی را در تأمین سرمایه اجتماعی جوامع بازی می‌کند.

۳.۳. تعهد به مشارکت

«مفهوم مشارکت، قدمتی به درازای تاریخ زندگی اجتماعی بشر دارد که در طول حیات طولانی خود، روند تکامل و دگرگونی را پشت سر گذاشته و به اقتضای شرایط زمانی و مکانی خود، تعاریف مختلف به خود دیده است. مشارکت اجتماعی را می‌توان فرآیند سازمان‌یافته‌ای دانست که از سوی افراد جامعه به صورت آگاهانه، داوطلبانه و جمعی، با در نظر داشتن هدف‌های مشخص، به منظور سهیم شدن در منابع مختلف انجام می‌گیرد. وجود نهادهایی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های محلی و غیردولتی، نمونه بارزی از مشارکت و همکاری افراد است. مشارکت اجتماعی، شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد حیات است. به عبارت دیگر مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا (مستقیم یا غیر مستقیم) در شکل دادن حیات اجتماعی، مشارکت دارند.

وجود شبکه‌های مشارکت به‌عنوان حوزه‌های تولیدکننده سرمایه اجتماعی، بیش‌ترین توجه را در ادبیات نوسازی و توسعه سیاسی به خود معطوف کرده است. از آنجایی که شیوه تعاملات اعضای شبکه بر مبنای ارتباطات زبانی است، شبکه‌های مشارکت اجتماعی‌ای موفق هستند که در آن‌ها لکنت زبان نباشد، افراد بر مبنای سخن و کلام با یک‌دیگر ارتباط برقرار نمایند و به منطق کلام، مسائل طرفین را حل و فصل کنند.» (اختر محقق، ۱۳۸۷: ۱۵). مشارکت به معنی به‌کارگرفتن منابع شخصی، به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. در بسیاری از تئوری‌های مشارکت اجتماعی معمولاً دو فرضیه اصلی مطرح است: یکی آن‌که هر قدر انگیزه عضو قوی‌تر باشد، مشارکت بیش‌تر است و دوم اینکه هر قدر مشارکت بیش‌تر باشد، امکان دستیابی به نتایج رضایت‌بخش، بیش‌تر است (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۴: ۱۲).

اندیشه‌های مهم در مشارکت عبارت‌اند از: الف) درگیری ذهنی و عاطفی؛ ب) پذیرش مسئولیت؛ ج) همکاری و همیاری در جهت تأمین منافع افراد. در داستان‌های هزار و یک شب در راستای ترویج و بسط این فعل انسانی در جوامع، به این سطح از سرمایه اجتماعی به‌کرات اشاره شده است. «... بعد از آن قرار شد که سفر کنیم. متاعی را که برای معامله

و تجارت برده بودیم، خوب فروختیم و نفع زیادی بردیم...» (طسوجی، ۱۳۹۱: ۲۸). «... و به او گفتم: من هم‌اکنون عازم بغداد هستم. اگر تو نیز مایل باشی می‌توانی با من همراه شوی. آن جوان پذیرفت...» (همان: ۵۷)

مشارکت اجتماعی، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث موثر بر زندگی‌شان تأثیر قاطع بگذارند. نویسنده در حکایات، مردم را به همکاری، مشارکت و کسب و کار دعوت کرده و آنان را از کارهای بیهوده برحذر می‌دارد.

«... گفت اگر مشتری برای اجناس من یافتی در خدمتم. بالأخره مشتری آمد و اجناس را به یک‌صد و بیست دینار فروختم و جوان پنجاه خروار کنجد دیگر به من سپرد و گفت در هر خروار، ده درهم حق معامله توست و همین مقدار هم می‌توانی از مشتری بگیری. من آن روز هزار درهم کنجد فروختم و سود کردم...» (همان: ۷۷). مشارکت اقتصادی به معنای حضور و همکاری آگاهانه اقشار مختلف در جهت پس‌انداز، سرمایه‌گذاری بیش‌تر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه‌تر و مصرف بهینه از کالاهای ضروری زندگی است. در مشارکت واقعی طبقه‌های پایین جامعه در فرایند توسعه در سطوح اجرا، تصمیم‌گیری، نظارت و برخورداری از منابع شرکت دارند.

«... رأی تو بس صواب است. زود باش من و تو حیلتی کرده او را بکشیم. ملک ساسان به او گفت که: به حیلت کردن بشتاب. زهت الزمان گفت: به حیله بشتابم و به‌زودی او را هلاک کنم...» (همان: ۲۴۷). درباره مشارکت در کارهای ناروا، حتی اگر مخاطراتی وجود داشته باشد، در مجموع بیش‌تر کسانی که از مفهوم سرمایه اجتماعی استفاده می‌کنند، گرایش به تأکید بر پیامدهای مثبت سرمایه اجتماعی دارند. آنان معتقدند سرمایه اجتماعی که مشارکت یکی از آن‌هاست، می‌تواند افراد و گروه‌ها را قادر به دستیابی به اهداف مشترک متنوعی سازد که ممکن است خیلی از آن‌ها برای سایرین، دارای پیامدهای منفی مستقیم یا غیرمستقیم باشد.

«... هر دو بیخود بیفتادند. چون به خود آمدند خواهر خلیفه به ایشان گفت: بنشینید تا در این حادثه که روی داده تدبیر خلاصی کنیم...» (همان: ۳۵۷). نگارنده، مردم را به مشورت و هم‌رأیی فرامی‌خواند؛ از این‌رو باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهارنظر برخوردار باشند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. در واقع مشارکت عنصر پویا، کمیت‌ناپذیر و تا حدودی غیرقابل پیش‌بینی و دگرگون‌کننده شرایط است.

«... روزی مأمون با فقیهان و متکلمان نشست بود، مردی غریب که جامه‌ای سفید کهن دربرداشت، به مجلس آمد و پایین‌تر از همه نشست. فقیهان به سخن گفتن شروع کردند و به حل مسائل مشکله اقدام نمودند. پس مسئله را در آن روز به تمامت اهل مجلس عرضه داشتند...» (همان: ۴۳۱). در مشارکت علمی، افراد در تولید علم و ارتقای آن در بین گروه‌ها و حل مسائل مشکله اقدام می‌نمایند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی در جوامع از عرصه‌های مهم مشارکت است.

«... روزی از روزها حکیم سندیاد، طالع ملک‌زاده را نظر کرد، دید که تا هفت روز سخنی خواهد گفت که آن سخن سبب هلاک او خواهد بود. ملک پرسید: ای حکیم، چه تدبیر باید کرد؟ حکیم گفت: ای ملک، رأی من این است که او را هفت روز در نزهتگاهی بگذاری...» (همان: ۶۹۴). مشورت و نظرخواهی از دیگران یکی از عوامل مهم و مسائل حیاتی در تصمیم‌گیری و ارزنده‌ترین دستورهای شریعت جهت سلامت فرد و جامعه و نیل به اهداف والای انسانی است. با

دقت در متن‌هایی که مضمون آن‌ها مشارکت و مشورت است، هم‌چنین تعاریفی که محققان از مشارکت اجتماعی ارائه داده‌اند، می‌توان این‌طور برداشت کرد که مشارکت حق مردم است و بیش از هر چیز نیازمند اقدام آگاهانه است. مشارکت مردم را به یاری‌دادن برمی‌انگیزد. مردم از راه مشارکت فرصت می‌یابند که قابلیت‌ها و استعداد‌های خود را برای دستیابی به اهداف به کار گیرند؛ از این‌رو وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی در هر جامعه‌ای گویای میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه است. هر اندازه شبکه‌های مشارکت در جامعه گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی آن جامعه غنی‌تر است.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی در علوم اجتماعی و تأثیرگذار در بسیاری از حوزه‌های جامعه است و آن را ماده خام جامعه مدنی دانسته‌اند که از بین هزاران کنش متقابل روزانه مردم به وجود می‌آید. از نظر نویسنده این کتاب ارزشمند، ایده محوری تعهد را می‌توان در واژه «روابط» خلاصه کرد. تعهد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی است که زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. ما در هزار و یک شب به‌وضوح شاهد این مسئله هستیم. در این اثر، انسان‌ها و جانوران بعد از تعامل و ارتباط مستمر، با توجه به ویژگی‌های فردی که بیش‌تر شامل صداقت، امانت‌داری، دانایی، راست‌گویی، درست‌کاری، جوان‌مردی، نیک‌اندیشی و مهربانی است، به وظایف‌شان (که بیش‌تر در بین نخبگان سیاسی رایج است) متعهد بوده و این زمینه‌ساز همکاری و مشارکت آنان با یکدیگر می‌شود. در این حکایات انسان‌ها و حیوانات در قبال وظیفه محوله به همنوعان، احساس مسئولیت کرده و این عمل آنان اولاً باعث ایجاد اعتماد و آسودگی خاطر شده و ثانیاً امنیت را افزایش داده و از بروز خطرات بزرگ جلوگیری می‌کند. طبق سفارش آموزه‌های اسلام «پای‌بندی به پیمان‌ها و وفای به عهد موجب می‌شود اعتماد عمومی در سطح گسترده، گسترش پیدا کند و روابط سالم و مناسب شکل بگیرد. در هزار و یک شب حیوانات به‌عنوان سمبل انسان‌ها به تعهدات خود در هر سه نمونه ذکر شده بغایت وفادار هستند که این عمل آن‌ها مایه اعتماد شده و تقویت‌کننده روابط اجتماعی است؛ زیرا روابط بین انسان‌ها به شدت به قراردادهای پیمان‌ها و تعهداتی وابسته است که نسبت به یکدیگر دارند. در این داستان‌ها شاهد دو ارزش اخلاقی مثبت و منفی هستیم که ارزش‌های اخلاقی مثبت مورد بررسی مربوط به تعهد در روابط اجتماعی است و ارزش‌های اخلاقی منفی مورد بررسی مانند حسد، حرص و طمع و حيله بوده که به شدت نفی شده است. در این حکایات انسان‌ها و موجودات به دنبال امنیت جانی هستند و تحقق آن اولاً بعد از نابودی عامل ایجادکننده ترس و دلهره و ثانیاً بعد از به وجود آمدن اعتماد متقابل، امکان‌پذیر می‌شود. از نتایج آن می‌توان به ایجاد امنیت جمعی (رفت‌وآمد و گردش آزادانه) و مشارکت اجتماعی و سیاسی اشاره کرد. نویسنده این کتاب بر این باور است که انتصاب کارگزاران باید از روی شناخت و با توجه به تعهد تجربه، لیاقت، ظرفیت و ... افراد باشد؛ زیرا کارگزاران به‌طور مستقیم بر روند کار دولت تأثیر می‌گذارند و عدم انتخاب متعهدانه و بجا، تعادل طبقات و جایگاه اجتماعی جامعه را به هم زده، کشور را به تباهی و تزلزل می‌کشاند.

منابع

کتاب‌ها

قرآن مجید.

اختر محقق، مهدی. (۱۳۸۷). مدیریت و سرمایه اجتماعی، تهران: علمی.

ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۴). مشارکت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات کیهان.

دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۵). سیره نبوی، دفتر دوم، سیره اجتماعی، تهران: انتشارات دریا. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.

شب‌زنده‌دار، محمد. (۱۳۷۲). گزیده افسانه‌های هزار و یک شب، تهران: انتشارات ناس و گل.

طسوجی، عبداللطیف. (۱۳۹۱). هزار و یک شب، چاپ دوم، تهران: انتشارات طلایی.

عمار، محمد. (۱۳۸۳). امنیت اجتماعی در اسلام، تهران: نگاه.

غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

کلمن، جمیز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشر نی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). عدل الهی، جلد ۱، چاپ هفدهم، قم: صدرا.

یعقوبی، داریوش. (۱۳۸۸). درک ایرانیان از عدالت، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

مقالات

تاجبش، غلامرضا؛ جوانمرد، کرم‌اله و طرفی، علی‌رضا. (۱۳۹۲)، «تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر حمیدیه»، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۳، صص ۴۵-۱۳.

دشت‌گل، هلنا شین. (۱۳۸۴). «نسخه خطی و مصور هزار و یک شب بازمانده دربار عهد ناصری»، مجله کتاب ماه هنر، شماره ۸۰، صص ۱۴۰-۱۳۲.

راموز، ملیحه. (۱۳۸۳). «تربیت دینی و امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره سوم.

سنجری، احمدرضا. (۱۳۷۵). «تعهد شغلی مدیران آموزشی»، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، شماره ۱۴، دوره پنجم، ۳۶.

علی‌خانی، قاسم. (۱۳۸۲). «عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴.

گروسی، سعیده. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره دوم.

ولی‌پور زرومی، سید حسین. (۱۳۸۱). «درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت»، راهبرد، شماره ۲۶، صص ۱۳۴-۱۵۷.